

انقلابی‌گری و موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی آن در سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

حسین پرکان^۱ آرزو نیکوییان^۲

چکیده

نظام‌سازی در مقابل انقلابی‌گری، دوطرف یک پیوستار هستند که بی‌ثباتی در موضع‌گیری نسبت به این دو در فرایند سیاست‌گذاری کشور، متأثر از رخدادهایی همچون چرخش‌های سیاسی و انتخاباتی، سلسله‌ای از موقعیت‌های هرمنوتیکی را رقم زده است. چنین چرخش‌هایی، با ماهیت سیاست‌گذاری که امری بلندمدت و گسترده است، سازگاری ندارد و منجر به ائتلاف سرمایه، وقت و ظرفیت‌ها و سردرگمی و ناامیدی جامعه است. فهم سیاست‌گذار از رخدادهای متأثر از انتخاب‌های پیشین او و موقعیت هرمنوتیکی اوست. برخی موقعیت‌های هرمنوتیکی، خود مؤثر در شکل‌گیری سایر موقعیت‌ها هستند که به آنها موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی اطلاق می‌شود. ممکن است برخی موقعیت‌سازها، کلیدی باشند و با هر انتخاب در آنها، انبوهی از موقعیت‌های هرمنوتیکی به‌صورت سلسله‌وار بوجود آید.

با استفاده از روش تحلیل مضمون در این تحقیق، مواضع تقابلی در حیطه انقلابی‌گری جمهوری اسلامی، مبتنی بر شش منبع استخراج شده و طی ۱۱ گام و نیز با استعمال شیوه ISM، یک موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی شامل: «نهضت‌گرایی و نظام‌سازی»، یک موقعیت پایه هرمنوتیکی شامل: «خودمرکز بینی یا پذیرش و درک دیگری» و هفت موقعیت تقابلی شامل: «هستکبر یا قدرت جهانی»، «گارد بسته یا آغوش باز در مقابل آمریکا»، «استراتژی استکبارستیزی یا تاکتیک استکبارستیزی»، «تعامل با جهان یا گسترش نفوذ انقلاب اسلامی»، «پاسخگویی یا مطالبه‌گری جمهوری اسلامی»، «خضوع یا ظلم‌ستیزی» و «خودی و غیرخودی» مشخص و تبیین شده است. در انتها اهم مسائل هرمنوتیکی در حیطه انقلابی‌گری بر اساس روابط موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی واکاوی شده است.

■ واژه‌های کلیدی

موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی، سیاست‌گذاری فرهنگی، نظام‌سازی و انقلابی‌گری.

۱. هیات علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، h.parkan@isca.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه باقرالعلوم، m.nikueian@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۵

۱. مقدمه

انقلابی‌گری مفهومی است که در اسناد بالادستی نظام، از اهمیت بالایی برخوردار است، از این رو، در عمل و مواجهه با جریان‌های سیاسی مختلف داخلی و خارجی در طول سال‌های گذشته، تفاسیر و عملکردهای مختلفی را ذیل این مفهوم می‌توان مشاهده کرد. در واقع این مفهوم در سطوح مختلف مدیریتی نظام، جاری و ساری نشده، بلاتکلیفی‌های بی‌شمار، سیاست‌گذاران فرهنگی و عمومی را در این باره رنجانده است.

انتخاب‌های شفاف، لازمه سیاست‌گذاری بوده و این مهم، به‌طور عمده با دشواری‌هایی همراه است. در واقع در فرایند سیاست‌گذاری نباید از نگاه به اینکه روش مناسب و مطلوب فعلی در کجاست و به کدام یک از طرفین موقعیت‌های تقابلی متمایل است هراسی داشت (Matarasso and Landry, 1999). در دایره انقلابی‌گری نیز به دلیل وجود چالش‌ها و پیچیدگی جوامع و فرهنگ‌های مختلف، سیاست‌گذاران با طیف‌های وسیعی از بلاتکلیفی‌ها مواجه‌اند که با انتخاب مواضع روشن و یکپارچه، می‌توانند امید به پیشرفت کارها داشته باشند.

۲. بیان مسئله و ضرورت تحقیق

هر کس در جایگاه یک سیاست‌گذار فرهنگی و غیر آن، علی‌ال‌تصال از جهان ذهنی، منظرگاه، گرایش‌ها، دانسته‌های پیشین، تعلقات، چشم‌داشت‌ها و مواردی از این قبیل برخوردار است که به آن موقعیت هرمنوتیکی فرد گویند (واعظی، ۱۳۹۲: ۱۵۸). موقعیت هرمنوتیکی سابق، علت اصلی ایجاد موقعیت هرمنوتیکی بعدی است. در واقع، می‌توان به موقعیت‌ساز بودن هر موقعیت هرمنوتیکی اعتراف کرده و این‌گونه بگوییم که هر کس سیاست‌گذاری فرهنگی می‌کند در رتبه سابق، آگاهانه یا ناآگاهانه، نسبت به برخی امور کلیدی، موضع خود را اتخاذ کرده است.

ممکن است بعضی از موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی، کلیدی بوده و با هر گزینشی در آنها، زنجیره‌ای از موقعیت‌های هرمنوتیکی ایجاد شود. چنانچه با انتخاب گزینه‌های غیر آن، زنجیره‌ای دیگر از موقعیت‌های هرمنوتیکی، بوجود خواهد آمد. هرچه عناصر تشکیل‌دهنده موقعیت هرمنوتیکی سیاست‌گذار، کلیدی‌تر باشند، تأثیر و اثرات آن در فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی، عمیق‌تر یا گسترده‌تر خواهد بود و عدم موضع‌گیری روشن و صریح

نسبت به آنها، چالش‌های وسیعی در نظام سیاست‌گذاری ایجاد خواهد کرد. علی‌رغم اینکه اصطلاح موقعیت هرمنوتیکی، عرض عریض و عناصر متعددی دارد (ر.ک: واعظی، ۱۳۹۳)، لیکن در این پژوهش، به قلمرو ویژه‌ای از موقعیت هرمنوتیکی که همان موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی در حیطه انقلابی‌گری است، توجه خواهد شد. عدم آگاهی نسبت به موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی و نیز عدم تلاش به‌منظور موضع‌گیری شفاف و هماهنگ نسبت به آنها، خطرهای متعددی را به همراه دارد که در ادامه به برخی آنها اشاره شده است:

- تشتت در مراحل مختلف سیاست‌گذاری؛

- بازشناسی اشتباه علل اصلی و واقعی تعارض‌ها و مشکلات؛

- عدم هماهنگی و عدم تناسب سیاست‌ها در حوزه انقلابی‌گری (کاریکاتوری‌شدن سیاست‌ها)؛

- جایگزینی نقاط اشتراک سیاست‌گذاران به جای اولویت‌ها؛

- بهره‌برداری افراطی از ابزارهای قدرت، به‌منظور تحمیل سلیقه‌ها و علاقه‌های شخصی سیاست‌گذاران.

حیطه انقلابی‌گری و سیاست‌گذاری فرهنگی در آن، یک عرصه زمان‌بر و دیربازده است. هم مسائل، به تدریج و در طول زمان ظهور می‌یابند و هم راهکارها، معمولاً در طولانی‌مدت، به نتیجه می‌رسند. بنابراین، کوچک‌ترین خطا در مراحل سیاست‌گذاری، هزینه‌های زیادی را چه به‌لحاظ مادی و چه معنوی بر جامعه تحمیل خواهد کرد.

۳. پیشینه تحقیق

نظام‌سازی از زوایای مختلف فقهی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تربیتی و نظامی، در آثار متعدد مورد بررسی قرار گرفته است. برخی این آثار عبارت‌اند از: *اقتصادنا* نوشته شهید صدر، که از منظر اسلامی به نظام‌سازی اقتصادی پرداخته است. کتاب *نظام‌سازی شریعت و فقه از منظر امام خمینی* اثر علی‌اکبر نوایی (۱۳۷۸) نیز از دیدگاه فقهی به مبحث نظام‌سازی می‌پردازد. همچنین مقاله نظام‌سازی اسلامی در حوزه اجتماعی از منظر علم مدیریت و فقه اسلامی اثر آقایان تابان، شیرینی، اکبرنژاد و خانم یوسفیان (۱۳۹۵) نیز از دیدگاه اجتماعی به این موضوع پرداخته است.

در موضوع انقلابی‌گری نیز از دیدگاه‌های مختلف و مبتنی بر منابعی همچون قرآن،

نهج‌البلاغه و غیره، آثار متعددی چاپ شده‌اند. مهم‌ترین آثار موجود در این موضوع، فرمایشات مقام معظم رهبری است که به تبیین این موضوع از زوایای مختلف و در بیانات متعدد پرداخته‌اند که مقاله‌ها و کتاب‌های فراوانی در تحلیل و تبیین این فرمایشات منتشر شده است.

نکته‌ای که پس از واکاوی این حیطة پژوهشی نمایان می‌شود، پراکندگی مفهومی فراوان در این حیطة است اما وقتی که با شناسایی دغدغه‌ها و مفاهیم اختصاصی هر بخش، به مفاهیم زیرمجموعه هر کدام از این حیطة‌ها توجه شود، نامعلوم نمی‌ماند که هر چند کانون توجه این حوزه‌ها ناهمگون است، ولی همه آنها، دغدغه تتبع در فراگرد همسانی را دارند و هریک به روشی به دنبال یافتن یا تبیین ماهیت به‌کارگیری و قبول سیاست‌های همانند در موقعیت‌های مختلف‌اند.

آثار مزبور، فاقد سوگیری سیاست‌گذارانه است و ناظر به فرایند کامل سیاست‌گذاری نیست. همچنین مطالبی نسبت به جهت‌گیری هرمنوتیکی سیاست‌گذار و هر آنچه که وی در مقام پیشین در ارتباط با این قضیه به شکل پیش‌فرض در ذهن خویش دارد، پیدا نشد. از سوی دیگر، هر کدام از آثار یادشده، متمرکز بر یک یا چند قضیه و چالش ویژه بوده و فاقد جامعیت و توجه به نظام ارتباطی قضا و نیز اولویت‌بندی آن هستند. ۲

با توجه به توضیح بالا، واکاوی و استخراج کامل موقعیت‌های تقابلی، طبقه‌بندی، شناخت و توضیح کلیدی‌ترین موقعیت‌های تقابلی در قلمرو مفهومی انقلابی‌گری، جزو ابعاد جدید و نوآوری‌های این پژوهش است.

۴. مفهوم‌شناسی

۴-۱. انقلابی‌گری

سیاست خارجی کشور در سال‌های پس از انقلاب، به کلی تابع جریان انقلابی‌گری یا همان نهضت‌گرایی بوده است. به همین دلیل، بخش مهمی از توان خود را صرف توسعه تفکر انقلاب، ایجاد بلوک سیاسی و یارگیری در عرصه جهانی کرده است. جمهوری اسلامی به‌عنوان یک نظام سیاسی، پاسخگو، اما انقلاب، در ذات خود مطالبه‌گر بوده و در جست‌وجوی اشاعة تفکر همسان‌سازی سیاسی، ایجاد سلطه منطقه‌ای و تغییرات ایدئولوژیک و مدیریت جهانی است. انقلاب مرکز ثقل سیاست خارجی‌اش را در خارج از مرزهای جغرافیایی قرار داده و در

این اندیشه است که بتواند از فضای بین‌المللی و فرصت‌هایی که پدیدار می‌شوند، برای گسترش نفوذ خود استفاده کند. در این تفکر، جمهوری اسلامی هدف نیست، بلکه سرپلی برای توسعه نفوذ ایدئولوژیک و ابزاری به جهت تحقق اهداف انقلاب اسلامی در منطقه و جهان است. سعی در جهت گسترش حوزه نفوذ سیاسی در لبنان، عراق، افغانستان و سوریه و حمایت از شیعیان و استراتژی «امت‌سازی»، از برجسته‌ترین کانون‌های فعالیت انقلاب اسلامی است. سعی که در سایر مناطق جهان، از جمله آفریقا و امریکای لاتین هم به‌گونه دیگری و با عنوان حمایت از مستضعفین دنبال می‌شود (ر.ک: همایی، ۱۳۹۲).

فصل مشترک سیاست خارجی اصلاح‌طلبان و میانه‌روهای تکنوکرات، پیشرفت نظام جمهوری اسلامی بر مبنای تعامل سازنده با جهان است؛ تا از رهگذر تأمین رفاه مردم و امنیت کشور بتوانند مردم‌سالاری اسلامی را محقق سازند و در نقطه مقابل آنها، محافظه‌کاران و اقتدارگرایان، تمرکز سیاست خارجی خود را بر گسترش نفوذ انقلاب اسلامی خارج از مرزهای جغرافیایی استوار ساخته‌اند تا بتوانند استراتژی امت‌سازی را محقق سازند (همان).

روح حاکم بر اسناد بالادستی نظام، تأکید بر انقلابی‌گری و جهت‌دهی به سمت حکومت و جامعه اسلامی بوده و این جهت‌دهی‌ها، به‌طور عمده به‌صورت کلی است. در بین اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران، بلاتکلیفی‌ها در بسیاری از موقعیت‌های تقابلی در این حوزه، فراوان است.

امام خمینی علیه السلام نیز معتقد بودند انقلاب اسلامی، بهترین انقلاب‌ها و بزرگ‌ترین انقلاب از حیث محتوا بوده است. این مسیر بایستی ادامه پیدا کند؛ چراکه این یک مسیر الهی است و محدود به ایران نباید باشد (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۲: ۹۵-۹۸).

درواقع به‌رغم اینکه اسناد بالادستی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، به‌صورت کلی بر انقلابی‌گری تأکید می‌ورزند، اما در عمل به‌دلیل اینکه این مفهوم در لایه‌های بعدی، که به‌نوعی عملیاتی‌تر می‌شود، جاری و ساری نشده، فراوانی بلاتکلیفی‌ها، سیاست‌گذاران فرهنگی و عمومی را رنج می‌دهد.

۲-۴. فرهنگ و سیاست‌گذاری فرهنگی

فرهنگ مورد نظر در این نوشتار به‌مثابه حیطة امور فکری، غیرمادی و معنوی است و

به منزله گستره نظام مند ارزش‌ها، باورها، گفتمان‌ها، نمادها و نشانه‌ها فهمیده می‌شود. همچنین عدم وابستگی فرهنگ، مؤکد است. از این رو، نباید فرهنگ را انعکاس صرف قوای زیربنایی اقتصادی، انشعاب قدرت، یا احتیاجات قلبی اجتماعی وصف یا این چنین ایضاحی از فرهنگ را مکفی دانست. لذا سعی می‌شود تا آنجا که ممکن است، فرهنگ از زاویه ارزشی بی‌طرف و بی‌گرایش باشد. واکاوی فرهنگ محصور به هنرها نیست بلکه بر تمامی ابعاد و مراتب زیست اجتماعی سریان دارد (اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۵-۱۷). لذا در این تحقیق، تعریف خاصی از فرهنگ اختیار نشده است.

مفهوم سیاست از نگاه شافریتز و بریک، عبارت است از تصمیمی مستدام که یک مرجع مقتدر اتخاذ می‌کند. در واقع در یک فرم عام‌تر و با اندکی اغماض، سیاست‌ها را می‌توان اهدافی دانست که بایستی بدان دست یافت (شافریتز و بریک، ۱۳۹۰: ۴۲). همچنین مبتنی بر نظر کوچران و ملون (Cochran and Malone, 2005: 5-6) و دای (Dye, 2013: 3) سیاست شامل واکاوی نحوه ورود یا عدم ورود دولت در گستره انقلابی‌گری و نیز بررسی میزان و روش حضور در آن است، که این تعریف، گزینش این پژوهش در واکاوی فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی در حیطه انقلابی‌گری است.

استعمال هر یک از الگوهای موجود سیاست‌گذاری عمومی و فرهنگی در عرصه فرهنگ، موقعیت‌های تقابلی ویژه‌ای را به دنبال دارد. بیست‌و نه مورد از الگوهای مزبور در آثار افرادی همچون دای، هاوالت، رامش و پرل (۱۳۹۴)، الوانی و شریف‌زاده (۱۳۸۶)، شافریتز و بریک^۱ (۲۰۰۸)، حاجیانی (۱۳۹۱)، غلامرضا کاشی (۱۳۸۲)، مک‌گویگان (۱۳۸۸)، فاضلی و قلیچ (۱۳۹۲)، خاشعی (۱۳۹۰)، مایرز و بس^۲ (۲۰۰۴)، بهادری (۱۳۷۶)، کاوسی و چاوش‌باشی (۱۳۸۹)، پارسونز (۱۳۸۵)، بنیانیان (۱۳۸۶)، اشتریان (۱۳۹۱)، طبرسا (۱۳۸۲)، پهلوان (۱۳۹۰) و صالحی امیری و حیدری‌زاده (۱۳۸۹) بدان پرداخته شده که در این پژوهش به منظور استخراج برخی موقعیت‌های تقابلی از آنها نیز استفاده شده است.

۳-۴. موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی

در این پژوهش با توجه به اینکه تعاریف فراوانی در طبقه‌بندی‌های متعدد از هرمنوتیک

1. Shafritz and Borick.
2. Mayers And Bass.

انجام گرفته (Palmer, 2000: 33)، به علت اینکه پل ریکور در تعریف خویش از هرمنوتیک، صرفاً به مطلق فهم التفات نکرده و آنرا به حیطة عملیات فهم تسری داده و سازوکار رابطه فهم با تفسیر متن را نقطه تمرکز تعریف قرار داده، این تعریف به‌عنوان تعریف هرمنوتیک برگزیده شده است. وی هرمنوتیک را تئوری عمل فهم در فرایند روابطش با تفسیر متن می‌داند (واعظی، ۱۳۹۳: ۲۸-۲۹). درواقع مباحث فلسفی فهم، روش‌ها و قواعد تفسیر متن، از دایرة مباحث این پژوهش بیرون بوده و آنچه بر روند فهم سیاست‌گذار است و سازوکارهایی را در تفسیر فرهنگ به‌عنوان متن صورت می‌دهد، موضوع این پژوهش است. توسعه‌ای که در اینجا برای مفهوم متن در نظر گرفته شده، منجر به گسترش بیشتر قلمرو هرمنوتیک است. بنابراین رابطه هرمنوتیک با سیاست‌گذاری فرهنگی نیز در قلمرو وسیعی شکل می‌گیرد.

اتمام هر مرحله از فرایند سیاست‌گذاری، مستلزم انجام ترجمه یا تفسیر است که این عمل، از موضوعات هرمنوتیک است. ریکور (۱۳۹۳) در ارتباط با ترجمه و چالش‌های آن، ملاحظات مهمی را مطرح کرده که عدم توجه به آن، کجروی و بلا تکلیفی را به‌دنبال خواهد داشت. از این‌رو، علت بعضی از چالش‌ها و مسائل سیاست‌گذاری فرهنگی را بایستی در قلمرو هرمنوتیک جست‌وجو کرد.

در این پژوهش اصطلاح افق هرمنوتیکی و موقعیت هرمنوتیکی از گادامر (۲۰۰۴) قرض گرفته شده و در بستری متمایز از بستری که وی استعمال کرده، استفاده شده است. بستری که گادامر موقعیت هرمنوتیکی را استعمال کرده مرتبط با همه صور فهم است، اما استعمال آن در اینجا، ناظر به یک اقدام یعنی همان سیاست‌گذاری فرهنگی بوده که با ابتنای بر فهم فرهنگی حاصل می‌شود و این فهم متأثر از موقعیت‌ساز هرمنوتیکی است.

بنابر توضیح‌های بالا، امکان جعل اصطلاح موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی بدین شکل فراهم می‌شود: موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی، موضعی‌اند که بی‌آنکه مفسر چنین موضعی را برگزیند یا نه، یا مفسر گزینش آگاهانه داشته یا نداشته باشد، خلق موقعیت جدید برای مفسر می‌کنند. درواقع، در اثر روبه‌رو شدن مفسر با متن، موقعیتی جدید برای وی پدید می‌آید که منبعث از موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی است.

موقعیت‌ساز هرمنوتیکی را می‌توان از جنس متعلق آگاهی دانست. بدین معنا که آن گروه از چالش‌ها و سؤال‌هایی که اهمیت دارند و موضع‌گیری و سوگیری و نوع آگاهی افراد مؤثر در فهم و تفسیر آنهاست. موقعیت‌ساز هرمنوتیکی شامل همه آنچه که ایجادکننده

موقعیت‌های هرمنوتیکی است، گفته می‌شود. موقعیت هرمنوتیکی در معنای عام آن، مشمول زنجیره‌هایی از افکار، احساسات و تجارب خودآگاهانه یا ناآگاهانه است که جهان ذهنی فرد را شکل می‌دهند (اقتباس از سرل، ۱۳۸۲: ۱۶).

موقعیت‌ساز هرمنوتیکی بر دانش نظری و معرفت‌شناسی و روش‌شناسی و... تقدم دارد؛ چراکه پیش از قرار دادن فهم در چارچوب معرفت‌نظری و دانش منظم، توسط انسان، فهمی صورت گرفته است. منظور از موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی، این چنین فهم یا موقعیت قبلی بوده که فراتر از چارچوب‌های معروف است (اقتباس از واعظی، ۱۳۹۳: ۱۵۸-۱۶۷). برای اینکه مشخص شود که آیا یک موقعیت‌ساز هرمنوتیکی، کلیدی است یا نه، بایستی افزون بر شاخص عمق اثرگذاری، شاخص محدوده اثرگذاری نیز مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا قلمروی بررسی این پژوهش در دایره سیاست‌گذاری بوده و ناظر به میدان است. لذا این امکان وجود دارد که یک موقعیت‌ساز، عمق اثرگذاری زیادی نداشته، اما وسعت اثرگذاری آن، فراوان است.

۵. روش پژوهش

روش انجام این تحقیق، تحلیل مضمون است. مبتنی بر دیدگاه‌های مختلف پژوهش (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۷: ۴-۵)، پارادایم این تحقیق، تفسیری، جهت‌گیری آن نظری، رویکرد آن استقرایی، نوع آن کیفی، و گونه آن کتابخانه‌ای و میدانی است. برداشت داده‌ها با استعمال مصاحبه، مشاهده میدانی و واکاوی مستندات و مدارک، صورت گرفته است. بنابراین در ابتدا، موقعیت‌سازها در گستره انقلابی‌گری با اکتنا بر مدل‌ها، الگوها، تئوری‌ها و پژوهش‌های موجود و اسناد فرادستی استحصال و پس از آن با استعمال شیوه^۱ ISM شبکه ارتباطی موقعیت‌های تقابلی و ترازبندی آنها واکاوی شده است.

از نظر براون و کلارک^۲ تحلیل مضمون، شیوه‌ای برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، داده‌های متشکست و متنوع را به اطلاعات غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Braun and Clarke, 2006: 82).

1. Interpretive Structural Modelling.
2. Braun and Clarke.

بویاتزیس^۱ معتقد است تحلیل مضمون، شیوه‌ای برای مشاهده متن؛ برداشت و فهم درخور داده‌های به‌ظاهر نامربوط؛ تحلیل داده‌های کیفی؛ دیدن نظام‌مند فرد، ارتباط، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ و تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی است (Boyatzis, 1998). در این تحقیق، با توجه به تأثیر موقعیت تقابلی در سیاست‌گذاری فرهنگی، براساس اثر مضمون در تحلیل (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۹)، مضامین موقعیت‌های تقابلی، موقعیت‌های پایه هرمنوتیکی، موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی و حوزه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

شناسایی مضامین یا الگوهای موجود در اطلاعات به دو شکل استقرایی و قیاسی قابل انجام است (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۶: ۵۸) که در این پژوهش شیوه استقرایی مورد استفاده قرار گرفته است. از نظر مداوار^۲ پژوهشگر باید در راهبرد استقرایی، کوشش کند که بینش وی با ذهنیات از قبل تصور شده خود آلوده نشود (Medawar, 2013: 40).

روش ISM، یک شیوه ساختار تفسیری است که در آن، ابتدا به شناخت عناصر مؤثر و اصلی می‌پردازد و بعد از آن با استعمال شیوه‌ای، رابطه میان این عناصر و راه رسیدن به پیشرفت به‌وسیله آنها ارائه شده است. روش ISM با تفکیک معیارها در چند لایه مختلف به تحلیل ارتباط میان شاخص‌ها می‌پردازد. مدل‌سازی ساختار تفسیری می‌تواند ارتباط میان شاخص‌های تکی یا گروه وابسته به یکدیگر را معین کند (Kannan, and Kumar, 2009: 28-36). از نظر وارفیلد^۳ روش ISM قابلیت تجزیه و تحلیل رابطه میان ویژگی‌های چند متغیر که به جهت مسئله‌ای تعریف شده‌اند را دارد (Warfield, 1974: 82-87). همچنین مدل‌سازی ساختاری - تفسیری یاور محقق در بازشناسی ارتباطات داخلی متغیرها است و امکان رتبه‌بندی و تحلیل اثر یک متغیر بر سایر متغیرها را فراهم می‌آورد (آذر و بیات، ۱۳۸۷: ۸). لذا در این تحقیق، امکان کمک به‌منظور رتبه‌بندی و انتصاب تراز موقعیت‌های تقابلی و تعیین موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی وجود دارد.

۶. دستاوردهای پژوهش

این پژوهش با استفاده از سه وسیله «تحلیل مضمون»، «ISM» و «پارتو»، در خلال

1. Boyatzis.
2. Medawar.
3. Warfield.

۱۱ گام، موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی در قلمروی انقلابی‌گری را به‌دست آورده، صورت‌بندی و بررسی کرده است. فهرست گام‌های یازده‌گانه مزبور به همراه مختصری توضیح، به شرح زیر است (ر.ک: پرکان، ۱۳۹۷، فصل سوم):

۱. استخراج موقعیت‌های تقابلی اولیه: مبتنی بر شش منبع زیر و با رویکرد انضمامی، تا مرز کفایت داده، موقعیت‌های تقابلی استخراج شده است: ۲۱ دوراهی سیاست فرهنگی شورای اروپا، اسناد بالادستی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (همچون اصول سیاست فرهنگی و بخش‌های فرهنگی برنامه‌های توسعه اول تا ششم، سند چشم‌انداز بیست‌ساله ایران، سیاست‌های کلی ابلاغی رهبر معظم انقلاب در مورد برنامه ششم توسعه، سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در حوزه‌های مختلف فرهنگی مانند سیاست‌های کلی امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات و سیاست‌های کلی ترویج و تحکیم فرهنگ ایشار و جهاد و ساماندهی امور ایثارگران و سیاست‌های کلی ایجاد تحول در آموزش و پرورش و سیاست‌های کلی علم و فناوری)، گفته‌ها و نظرهای نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران در این عرصه، برنامه‌ها و رویکردهای عملیاتی، گفتمان‌های سیاست‌گذاری فرهنگی و الگوهای سیاست‌گذاری.

۲. تهذیب و اصلاح موقعیت‌های تقابلی: استحصال فهرست غایی با بهره‌برداری از ابزار مباحثه و مصاحبه با برخی صاحب‌نظران.

۳. گروه‌بندی ابتدایی و مفهومی موقعیت‌های تقابلی: به دلیل اینکه تعداد تقابل‌ها زیاد است، گروه‌بندی ابتدایی و مفهومی رویارویی‌ها با دریافت دیدگاه‌های متخصصان و با توجه به شاخص‌هایی همچون ضرورت مفاهیم، رجحان یا برتری ذهنی مفاهیم، فراگیر یا اساسی بودن مفاهیم و تعلق طولی آنها انجام گرفته است.

۴. قالب‌بندی ماتریس خودتعاملی ساختاری: بررسی روابط میان انواع رویارویی‌ها در داخل و در میان گروه‌ها، به‌صورت روابط از نوع همبستگی و وابستگی عرضی و از نوع همبستگی و وابستگی طولی، همچنین مدنظر قرار دادن شاخص‌ها به شکل دوتایی با همدیگر و پاسخگویی به مقایسات زوجی. در این پژوهش روابط میان موقعیت‌های تقابلی با بهره‌برداری از رابطه معنایی منجر به بلا تکلیفی در تحلیل شده است. ماتریس مربوطه به‌عنوان مدخل تکنیک ISM محسوب می‌شود (ر.ک: فیروزجائیان و همکاران، ۱۳۹۲):

(۱۲۹-۱۵۹).

۵. اقدامات آماری روی شبکه ارتباطی موقعیت‌های تقابلی: ماتریس دریافتی در این گام از تبدیل ماتریس خودتعاملی ساختاری به یک ماتریس دو ارزشی صفر و یک حاصل می‌شود. در ماتریس دریافتی درایه‌های قطر اصلی مساوی یک قرار می‌گیرد و یک ماتریس دستیابی اولیه بدست می‌آید (ر.ک: همان) بی‌آنکه در پی علت‌های تام یک موقعیت هرمنوتیکی باشد. از این‌رو، از شیوه ISM بهره‌برداری شده است.

۶. رتبه‌بندی و مقایسه داده‌های آماری شبکه ارتباطی موقعیت‌های تقابلی: بر اساس اطلاعات آماری، موقعیت‌های تقابلی، از حداکثر به حداقل رتبه‌بندی شده است.

۷. ترازبندی موقعیت‌های تقابلی با ابتناء بر قاعده پارتو: ترازبندی موقعیت‌های تقابلی با ابتناء بر شیوه ISM مبتنی بر اشتراک ارتباطات دوطرفه است (ر.ک: کرباسیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۵). هرچند تقریباً تمامی روابط میان موقعیت‌های تقابلی، دوسویه است. بنابراین از روش پارتو برای ترازبندی بهره‌برداری شده است. در این گام، تقابل‌ها طوری گزینش شدند که ۸۰ درصد روابط را شامل شود و مضامین اولیه، یا همان موقعیت‌های هرمنوتیکی اولیه به‌دست آیند.

۸. رتبه‌بندی و بررسی موقعیت‌های پایه هرمنوتیکی: در این گام بررسی مضامین اولیه استخراج‌شده در گام هفتم، مبتنی بر دسته‌بندی مزبور در گام سوم و مرتب‌سازی تقابل‌ها به شکل جداگانه در هر دسته صورت گرفته است.

۹. استحصال یا انتخاب موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی: در هر دسته، مبتنی بر اطلاعات آماری، تحلیل مفاهیم و قرابت معنایی و نیز دیگر شاخص‌های مربوطه مضامین اصلی یا همان موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی استخراج شد.

۱۰. سازمان‌دهی یا دسته‌بندی موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی: مضامین سازمان‌دهنده، جنبه رویارویی نداشته و دیگر مضامین مرتبط با حیطة انقلابی‌گری در هفت حوزه دسته‌بندی شده است.

۱۱. ترسیم و صورت‌بندی نهایی شبکه تعاملات: صورت‌بندی شبکه تعاملات مبتنی بر حوزه‌ها (مضامین سازمان‌دهنده)، موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی (یا همان مضامین اصلی)، موقعیت‌های پایه هرمنوتیکی (سایر مضامین اولیه) و نیز موقعیت‌های تقابلی (یا همان کدهای اولیه) انجام شده است.

در ادامه، شبکه تعاملات مبتنی بر موقعیت‌های تقابلی، موقعیت‌های پایه هرمنوتیکی، موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی و حوزه‌ها، صورت‌بندی شده و عناوین آن به صورت فهرست‌وار در ادامه آمده است:

۱. انقلابی‌گری
۲. نهضت‌گرایی و نظام‌سازی
۳. خودمركزبيني يا پذيرش و درك ديگري
۴. مستکبر یا قدرت جهانی
۵. گارد بسته یا آغوش باز در مقابل آمریکا
۶. استراتژی استکبارستیزی یا تاکتیک استکبارستیزی
۷. تعامل با جهان یا گسترش نفوذ انقلاب اسلامی
۸. پاسخگویی یا مطالبه‌گری جمهوری اسلامی
۹. خضوع یا ظلم‌ستیزی
۱۰. خودی و غیر خودی
۱۱. عرفی‌گرایی یا سکولاریزیم
۱۲. مستکبر یا کارآفرین
۱۳. دموکراتیزاسیون
۱۴. امام - امت یا دولت - ملت
۱۵. شکل‌های مختلف از مناسبات دین و دولت
۱۶. دموکراسی یا بوروکراسی
۱۷. یکی پنداشتن یا نپنداشتن دموکراسی و خرد جمعی
۱۸. توسعه‌گرایی و مدرنیزاسیون
۱۹. سنت و تجدد
۲۰. عقب‌ماندگی فرهنگی داریم یا نه؟
۲۱. موضع فعال یا انفعالی در مقابل فرهنگ غربی
۲۲. توسعه‌گرایانه یا شریعتمدارانه
۲۳. انواع الگوی توسعه
۲۴. معیار داوری ایران، آیا وضعیت غرب است؟

۲۵. فرهنگ به‌مثابه ارزش فی‌نفسه توجیه‌کننده یا ابزاری برای توسعه
۲۶. توسعه غربی یا پیشرفت اسلامی
۲۷. خانواده‌گرایی
۲۸. مقیاس بازدهی زنان در چیست؟ اقتصاد، خانواده، حکومت جهانی
۲۹. ملی‌گرایی
۳۰. ملی‌گرایی یا وحدت اسلامی
۳۱. جهان شمول‌گرایی فرهنگی یا درون‌گرایی فرهنگی
۳۲. تقابل در توسعه فرهنگ بومی یا غیربومی
۳۳. اصلاحات اجتماعی و اقتصادی
۳۴. بوروکراسی یا اعتماد حوزوی
۳۵. تقوا اولویت شایسته‌سالی یا تخصص
۳۶. جامعه‌گرایی یا فردگرایی
۳۷. ساختار عاملیت
۳۸. شریعت‌مداری
۳۹. فقه فردی و فقه نهادمحور
۴۰. شأن اجرایی یا شأن نظارتی روحانیت
۴۱. لزوم حضور حوزه در تدوین سیاست‌ها
۴۲. حکومت در عصر غیبت

در این پژوهش، در مجموع ۳۴ موقعیت تقابلی استخراج شده که نه مورد آن بی‌واسطه در ذیل انقلابی‌گری قرار گرفته و ۲۵ مورد آن در هفت حوزه مرتبط با انقلابی‌گری قرار گرفته است. از این ۲۵ موقعیت تقابلی، شش مورد آن، موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی، ۱۵ مورد، موقعیت پایه هرمنوتیکی و چهار مورد، موقعیت تقابلی در سایر حوزه‌ها را تشکیل می‌دهند.

۷. واکاوی موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی در حوزه انقلابی‌گری

حوزه انقلابی‌گری در مجموع از ۶۰ رابطه با موقعیت‌های تقابلی برخوردار است که ۲۰ رابطه، مربوط به موقعیت‌های تقابلی ذیل این حوزه و ۴۰ رابطه، مربوط به موقعیت‌های تقابلی موجود در زیرشاخه حوزه‌های دیگر است. منظور از این روابط، روابطی است که در

مرحله چهارم، مبتنی بر روش ISM برقرار شده و به دلیل جلوگیری از طولانی شدن کلام، ماتریس تفصیلی آن ارائه نشده است.

انقلابی‌گری، حیطة‌ای است که یک موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی، یک موقعیت پایه هرمنوتیکی و هفت موقعیت تقابلی، زیرمجموعه آن قرار گرفته است که به‌طور خلاصه بدان پرداخته خواهد شد.

۱-۷. نهضت‌گرایی و نظام‌سازی (موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی)

این موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی، در مجموع ۲۹ رابطه دارد که شش مورد آن، مرتبط با زیرشاخه‌های حیطة انقلابی‌گری است و ۲۳ مورد آن با دیگر موقعیت‌های تقابلی که در زیرشاخه هفت حوزه دیگر قرار گرفته‌اند. شش رابطه از میان این ۲۹ رابطه، ارتباط با سایر موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی، ۱۶ رابطه با موقعیت‌های پایه هرمنوتیکی و هفت رابطه با موقعیت‌های تقابلی است. در مقام سیاست‌گذاری، چالش‌ها و پرسش‌هایی در این روابط قابل واکاوی است که در ادامه به برخی اشاره می‌شود.

اولین پرسشی که در خصوص این موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی وجود دارد این است که نقطه تعادل نهضت‌گرایی و نظام‌سازی کجاست؟ مسئله دیگر اینکه با توجه به کمبود منابع و وجود انواع و اقسام مشکلات در سطح ملی، چقدر و چه میزان می‌توان بر نهضت‌گرایی تمرکز کرد و یا اهداف نهضت اسلامی را بر منافع ملت ایران ترجیح داد؟ با توجه به اینکه رفاه عمومی مردم ایران در حال حاضر مبتنی بر گزارش‌های بین‌المللی، از بسیاری از کشورهای جهان کمتر است (ر.ک: واعظ، ۱۳۹۰)،^۱ چه سطحی از رفاه را بایستی تأمین کرد تا پس از آن، به فکر هزینه‌های استراتژیک در سایر بلاد اسلامی با رویکرد نهضت‌گرایی اسلامی بود؟ آیا اساساً مسئله رفاه و نظام‌های رفاهی، در این‌گونه تحلیل‌ها موضوعیت دارد؟ این پرسش‌ها و ده‌ها پرسش مرتبط دیگر، چالش‌هایی است که سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی، در طول سال‌های متمادی به‌خصوص سال‌های اخیر با آن مواجه بوده و هستند.

۱. پس از گذشت یک هفته از انتشار گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۲۰۱۱ که براساس آن، رتبه ایران به‌لحاظ شاخص «توسعه انسانی» در میان ۱۸۷ کشور دنیا، ۱۸ پله کاهش یافته و در جایگاه هشتماد و هشتم قرار گرفته است، اینک مؤسسه مطالعاتی لگاتوم انگلیس نیز با انتشار گزارشی اعلام کرده که ایران به‌لحاظ «شاخص رفاه» در میان ۱۱۰ کشور جهان، افتی ۵ پله‌ای را تجربه کرده و در رتبه ۹۷ قرار گرفته است.

به‌عنوان نمونه، می‌توان به بحران سال ۱۳۸۸ و شعارهای «نه غزه، نه لبنان...» (ر.ک: زیباکلام، ۱۳۹۳) و همچنین فشارهای سیاسی و اجتماعی علیه رزمندگان ایرانی در سوریه (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۶) اشاره کرد. این فشارها تا حدی زیاد شد که عنوان «مدافعین حرم» را برای رزمندگان انتخاب کردند تا قدری از حجم فشارها کاسته شود. از سویی دیگر حفظ نظام تا کجا و چه سطحی قابل پذیرش و جانفشانی است؟ هرچند فرمایشات امام خمینی^ع دربارهٔ حفظ نظام نیز، در تأکید بر حفظ نظام به‌منظور استمرار نهضت است (مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی^ع، ۱۳۷۲: ۱۲۵-۱۲۷)، اما در اینجا ابهام‌های فراوانی در مقام سیاست‌گذاری و عملیات پدید می‌آید که عدم شفاف‌سازی و اتخاذ موضع مشخص، چالش‌های فرهنگی به همراه دارد.

اینکه امام خمینی^ع می‌فرماید: حفظ نظام از اعظم فرائض است (همان)، آیا این می‌تواند توجیه‌گر عملکرد ضددینی در نظام هم باشد؟ آیا اگر حفظ نظام، مستلزم توجه کامل به رفاه مردم باشد، باز هم موضوعیت دارد؟ رفاه مردم تا کجا بایستی تأمین شود؟ آیا مگر رفاه‌طلبی انتها هم دارد؟ به‌منظور حفظ نظام، چقدر می‌توان شبیه دیگران بود؟ یا به تعبیر دیگر، تا کجا می‌توان به دنبال درک دیگران بود و کشور را متناسب با درک آنها طراحی و قابل فهم کرد؟

مقابله با مستکبران، هزینه‌بر و مستلزم تحمل سختی‌های فراوان است. آیا این مقابله، همیشگی و پیوسته است؟ آیا در زمانی که به‌ناچار جمهوری اسلامی در صلح با مستکبران به‌سر می‌برد، می‌تواند آنها را چنانچه کاری به کارش نداشته باشند، به‌عنوان قدرت جهانی به رسمیت بشناسد و تعامل داشته باشد؟

همچنین مصلحت چیست؟ چگونه می‌تواند مبنای تصمیم‌گیری قرار گیرد؟ چگونه می‌توان تناقض‌های خط‌مشی‌ای را در این حوزه توجیه کرد؟ خط‌مشی‌گذاران به‌دلیل اینکه می‌خواهند تعارض‌های ملی را مدیریت کنند، گاه خط‌مشی‌ای وضع می‌کنند که دچار تناقض است یعنی همزمان به دو طرف متناقض جهت‌دهی دارد.

سعید حجاریان (۱۳۹۷) در خصوص امنیت ملی چنین می‌گوید: «نمی‌دانیم حفظ این سرزمین به چه اموری وابسته است؛ گاهی دم از صدور انقلاب می‌زنیم، گاهی از حفظ نظام به هر قیمت سخن می‌گوییم، گاهی به‌دنبال انقلاب مستمر هستیم و گاهی هم گمان داریم توسعه‌یافتگی باعث بقا می‌شود. تقابل انقلاب اسلامی جهانی است یا ملی؟».

آیا مأموریت انقلاب اسلامی تنها یک مأموریت ملی بود که به انجام رسید و دیگر دوران انقلاب اسلامی تمام شده است؟ یا انقلاب، حرکتی است بزرگ به سوی یک هدف بزرگ و آن، انقلاب جهانی اسلام به دست حضرت بقیة الله علیه السلام و تغییر وضعیت فرهنگی و سیاسی کل جهان؟

اسناد بالادستی، مقام معظم رهبری و امام خمینی علیه السلام، رویکرد دوم را حق می‌دانند. در این زمینه اختلاف نظرهای فراوانی وجود داشته و دارد که از آن جمله می‌توان به اختلاف آقای بازرگان و دولت او از همان اول انقلاب با این مسئله اشاره کرد (پزشکی و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۸۵).

یکی از مسائل دیگری که در این بخش، توجه به آن لازم است تفکیک سازمان‌ها و نهادها به انقلابی و غیره است. آیا تفکیک نهادها و سازمان‌ها به انقلابی و غیره صحیح است؟ آثار روانی و موقعیتی که در سیاست‌گذاران ایجاد می‌کند، بسیار عمیق است. به نحوی که در ذهن برخی، هیچ امیدی به بهره‌برداری از سازمان‌های به اصطلاح قبل انقلابی در راستای اهداف نظام نیست. بنابراین برای هر ایده‌ای، یا بایستی بر سازمان‌های انقلابی تکیه کرد و یا اینکه یک سازمان موازی انقلابی ایجاد کرد. برخی هم برعکس، به دنبال بهره‌برداری از همین ظرفیت‌های موجود هستند. چه باید کرد؟ (ر.ک: ناظمی اردکانی، ۱۳۸۴).

۲-۷. خودمرکزبینی یا پذیرش و درک دیگری (موقعیت‌ساز پایه هرمنوتیکی)

این موقعیت‌ساز پایه هرمنوتیکی، در مجموع ۱۸ ارتباط دارد که هشت مورد آن مرتبط با زیرشاخه‌های حیطة انقلابی‌گری است و ۱۰ مورد آن ارتباط مستقیم این موقعیت‌ساز پایه هرمنوتیکی است با دیگر موقعیت‌های تقابلی که در زیرشاخه چهار حوزه دیگر قرار گرفته‌اند. چهار رابطه از میان این ۱۸ رابطه، رابطه با سایر موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی در چهار حوزه دیگر است. هشت رابطه، مربوط به رابطه با موقعیت‌های تقابلی و شش مورد مربوط به موقعیت‌های پایه هرمنوتیکی است.

اکثریت قریب به اتفاق فرهنگ‌ها و انسان‌ها، خود محوربین بوده‌اند و فرهنگ و رفتارها و ارزش‌های خود را بهترین و معتبرترین پنداشته‌اند و دیگران را شیطانی تلقی کرده‌اند. اما نتیجه این رویکردها، هرگز نه تنها کمکی برای به دست آوردن موقعیت برتر در بلندمدت به هیچ فرهنگی نکرده بلکه آن فرهنگ را در معرض خطر نابودی قرار داده است. قرن بیستم

هم با تجربه توتالیتاریسم‌ها و هم با تجربه متأخر استعماری این نکته را نشان می‌دهد (فکوهی، ۱۳۹۴: ۲۵۶-۲۶۲).

ریشه مشترک انحطاط فرهنگی را می‌توان بر سلسله‌مراتبی، قانون‌مند و تاریخی دیدن فرهنگ‌ها و گروه‌های انسانی و تأکید بر جهان‌شمولیت‌ها و درعین‌حال اصالت بیشتر بعضی از آنها نسبت به سایرین و به‌نوعی خودمرکزبینی فرهنگی^۱ دید و به همین دلیل نیز این نظرات، کم‌وبیش یا به‌طور مستقیم به بیگانه‌هراسی‌ها و جنایات بزرگی در تاریخ رسیدند و این مصیبت‌ها را از لحاظ تئوریک، توجیه کردند (همان).

دو پدیده گشودگی منفعلانه در مقابل فرهنگ‌های دیگر که لزوماً به شباهت پیدا کردن و تحلیل رفتن در آنها نمی‌انجامد و یا مقاومت‌های بیگانه‌ستیزانه با آن فرهنگ‌ها، که لزوماً به ضعف و رکود و خفگی فرهنگی در اثر عدم مبادله با محیط می‌انجامد، هر دو، فرایندهایی بسیار خطرناک برای فرهنگ‌های انسانی به‌شمار می‌آیند که بایستی از طریق بها دادن هرچه بیشتر به هوشمندی و ابتکار در اندیشه و عمل انسانی از آنها احتراز کرد (همان: ۶۴-۶۷).

مسئله‌ای که در اینجا وجود دارد، اسلامی بودن نهضت است که برخاسته از آموزه‌های اسلام شیعی است یعنی افزون‌بر اینکه هر فرهنگی به‌طور طبیعی خودمرکزبین است، غنای محتوایی اسلام و برتری منطقی آن بر سایر ادیان و مذاهب، این خودمرکزبینی را تشدید می‌کند، لذا برخی افراد که تا حدی با فرهنگ‌های دیگر در اثر مطالعه یا درک حضوری، آشنا می‌شوند و برخی مزایای فرهنگ‌های دیگر را درک یا لمس می‌کنند، تا حدودی، نگاه بازتری نسبت به سایر فرهنگ‌ها می‌یابند. هرچه بیشتر از عمر انقلاب می‌گذرد، این مهم، نمود بیشتری پیدا می‌کند. چنان‌چه در مناظره‌های کاندیداهای ریاست جمهوری (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۶)، مناظرات و کرسی‌های نظریه‌پردازی و... اثر این نوع نگاه‌ها بیشتر هویدا شده و دو گرایش عمده نهضت‌گرا و نظام‌گرا، از این نوع نگاه‌ها متأثرند.

پرسش دیگری که در اینجا مطرح است اینکه آیا خودمرکزبینی باعث نهضت‌گرایی می‌شود یا نهضت‌گرایی منجر به خودمرکزبینی؟ در پاسخ می‌توان گفت، اگر بنا بود که خودمرکزبینی عامل نهضت‌گرایی شود، در اثر انتقال این فرهنگ به نسل‌های بعدی، همه ایرانیان بایستی نهضت‌گرا می‌بودند. درحالی‌که این‌گونه نیست و نهضت‌گراها، دچار

خودمرکزبینی هستند. در اینجا پرسش این است که با توجه به وجود مبانی اسلامی به‌عنوان محتوای نهضت، آیا این خودمرکزبینی، خوب است یا بد؟

۳-۷. سایر موقعیت‌های تقابلی

ذیل موقعیت پایه هرمنوتیکی خودمرکزبینی یا پذیرش و درک دیگری، هفت موقعیت تقابلی قرار گرفته که در ادامه به جهت رعایت اختصار، عناوین و توضیح اجمالی هفت موقعیت تقابلی مزبور ارائه شده است.

جدول: فهرست موقعیت‌های تقابلی زیرشاخه موقعیت پایه هرمنوتیکی خودمرکزبینی یا پذیرش و درک دیگری

ردیف	عنوان تقابل	توضیح
۱	مستکبر یا قدرت جهانی	گفتمان امام خمینی <small>علیه السلام</small> (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی: ۱۵۲) و اسناد بالادستی (به‌عنوان نمونه ر.ک: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۵۴)، بر دوگانه مستکبر - مستضعف شکل گرفته، ولی در ادبیات دولت‌های مختلف از دوگانه قدرت جهانی - قشر آسیب‌پذیر (به‌عنوان نمونه ر.ک: قانون برنامه ششم توسعه، ماده ۲۹) استفاده شده است.
۲	گارد بسته یا آغوش باز در مقابل آمریکا	امام خمینی <small>علیه السلام</small> (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی: ۱۵۴-۱۵۵) و مقام معظم رهبری، آمریکا را در دوران معاصر، محور شرارت و ریشه تمامی بدبختی‌ها در عالم به‌خصوص کشور ایران می‌دانند. لیکن مواضع برخی کاندیداها و رؤسای برخی دولت‌ها (مناظره، ۱۳۹۲)، حاکی از داشتن آغوش باز در قبال آمریکاست. ازاین‌رو، انسجام و استمرار در این سیاست وجود نداشته است.
۳	استراتژی استکبارستیزی یا تاکتیک استکبارستیزی	مقاومت در سطح تاکتیک به‌طور معمول مسبوق به وجود یک دشمن عینی - که یک جامعه نسبت به آن آگاهی یافته - حاصل می‌شود. درحالی‌که مقاومت در سطح استراتژی ضرورتاً مسبوق به وجود دشمن عینی نیست، بلکه حتی در مقابل دشمن فرضی و خودساخته نیز حاصل می‌شود. ازاین‌رو، مقاومت تاکتیکی به‌طور معمول بعد از تکوین عملی تئوریزه می‌شود و مقاومت استراتژیک به‌طور معمول بعد از تئوریزه شدن، در مسیر تحقق عینی قرار می‌گیرد (ره‌دار، ۱۳۹۷: ۱۴۸-۲۲۴).

ردیف	عنوان تقابل	توضیح
		رفتارهای امام <small>علیه السلام</small> در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و نیز ادامه دادن استکبارستیزی با اقداماتی همچون صدور حکم سلمان رشدی (۱۳۵۷/۱۱/۲۹) و ارسال نامه به گورباچف (۱۳۶۷)، نشان از اتخاذ راهبرد استکبارستیزی است نه تاکتیک استکبارستیزی. اما رفتارهای برخی دولت‌ها و نیز گفتمان غالب آنها، ابهامات فراوانی دربردارد که تلقی تاکتیک استکبارستیزی را القاء می‌کند.
۴	تعامل با جهان یا گسترش نفوذ انقلاب اسلامی	نظر امام خمینی <small>علیه السلام</small> در تعامل با جهان بر مبنای حفظ استقلال کشور و حفظ روحیه انقلابی و مقابله با مستکبرین است (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی: ۱۴۳-۱۴۴). اما برخی دولت‌ها در جمهوری اسلامی، خواستار تعامل با جهان، بدون تقابل با مستکبرین بوده‌اند.
۵	پاسخگویی یا مطالبه‌گری جمهوری اسلامی	جمهوری اسلامی به‌عنوان یک نظام سیاسی، پاسخگو، اما انقلاب، در ذات خود مطالبه‌گر است و در جست‌وجوی اشاعه تفکر همسان‌سازی سیاسی، ایجاد هژمونی منطقه‌ای و تغییرات ایدئولوژیک و مدیریت جهانی است (همایی، ۱۳۹۲).
۶	خضوع یا ظلم‌ستیزی	امام خمینی <small>علیه السلام</small> نظرشان بر این است که نه ظلم بکنیم و نه بگذاریم بر ما ظلم بکنند. همچنین در مقابل ظالم، نباید خضوع کنیم، چون او بیشتر ظلم خواهد کرد (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۹: ۲۰۸). اتفاقاتی همچون مهر و موم کردن تأسیسات هسته‌ای در دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی (خبر آنلاین، ۱۳۸۸/۱۲/۲۶) و نیز برجام در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی، نمونه‌هایی از ابهامات در شیوه ظلم‌ستیزی یا میزان خضوع در برابر دشمنان و ظالمان هستند.
۷	خودی و غیر خودی	چه کسانی و با چه خصلت‌هایی، خودی محسوب می‌شوند؟ چه کسانی و با چه خصلت‌هایی، غیر خودی محسوب می‌شوند؟ چه کشورهایی و با چه خصلت‌هایی، خودی محسوب می‌شوند؟ و چه کشورهایی، غیر خودی؟

در پایان، توجه به این نکته مهم است که زاویه نگاه این پژوهش، سیاست‌گذارانه بوده و

صرفاً محدود به جنبه‌های تئوریک و اسنادی نشده است. هرچند موضع بالادستی در برخی تقابل‌ها، هم از بُعد تئوریک و هم از بُعد اسنادی واضح است، اما در فرایند تام سیاست‌گذاری، هر آنچه در عمل هویدا می‌شود، با مواضع نظری و اسنادی سیاست‌گذار، تعارض دارد. همچنین در برخی موارد، افزون‌بر وجود تقابل عملی، در موقعیت‌ها نیز ناپایداری وجود دارد که ریسک آن، بیش از خسارت پیشین است.

۸. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شفافیت در موضع‌گیری‌ها، تداوم و انسجام نسبت به موقعیت‌های تقابلی، به‌ویژه موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی اثر زیادی بر عوامل مؤثر و مطلوب در چرخه تهیه سیاست‌های فرهنگی دارد. از این‌رو، شناسایی گلوگاه‌ها یا دوره‌های هرمنوتیکی در موضوع این پژوهش، گام ابتدایی در این شفاف‌سازی است. در همین راستا در این پژوهش، طی یازده مرحله، موقعیت‌های تقابلی و هرمنوتیکی در حوزه انقلابی‌گری جمهوری اسلامی ایران استخراج و معرفی شد و سپس یک موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی و یک موقعیت پایه هرمنوتیکی تبیین و واکاوی شد. همچنین عناوین هفت موقعیت تقابلی در این حوزه، معرفی و نیز به اجمال، بدان‌ها پرداخته شد. در واقع این پژوهش، اقدامی بدوی در بازشناسی اهم موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی در سیاست‌گذاری در حیطه انقلابی‌گری است. استكمال این گام، مستلزم رتبه‌بندی‌ها، بی‌آنکه سندی تهیه گردد یا تقسیم کاری شکل بگیرد، نهادها و سازمان‌های فرهنگی این کار را در صدر اقدامات خود قرار دهند و نسبت به شفاف‌سازی مواضع در موقعیت‌های هرمنوتیکی تلاش کنند. روشن است که برای برطرف‌سازی بسیاری از مسائل، مدل‌سازی و تثبیت فرایند تام سیاست‌گذاری نیز در کنار شفاف‌سازی نظری و سندی لازم است.

فهرست منابع

۱. آذر، عادل و کریم بیات (۱۳۸۷)، «طراحی مدل فرایند محوری کسب و کار با رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM)»، فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت فناوری اطلاعات، دوره ۱، شماره ۱، ص ۳-۱۸.
۲. اسمیت، فیلیپ (۱۳۸۳)، درآمدی بر نظریه فرهنگی، ترجمه حسن پویان، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۳. اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱)، مقدمه‌ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی، تهران، جامعه‌شناسان.
۴. باشگاه خبرنگاران جوان، مدافعان حرم، مظلومیت در عین اقتدار، ۱۳۹۶/۵/۲۳، دسترسی در <https://www.yjc.ir/fa/news/6201990>: ۱۳۹۷/۶/۱۳
۵. بنیانیان، حسن (۱۳۸۶)، فرهنگ و توسعه: خط‌مشی‌گذاری برای تقویت فرهنگ توسعه در ایران، تهران، امیرکبیر.
۶. بهادری، افسانه (۱۳۷۶)، درآمدی بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی، تهران، مرکز پژوهش‌های بنیادی.
۷. پارسونز، وین (۱۳۸۵)، مبانی سیاست‌گذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها، ج ۱، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی غیرانتفاعی.
۸. پزشکی، محمد، سیدمحمدعلی حسینی‌زاده، عبدالوهاب فراتی، مصطفی ملکوتیان و سیدصادق حقیقت (۱۳۸۳)، انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، قم، نشر معارف.
۹. پهلوان، چنگیز (۱۳۹۰)، فرهنگ‌شناسی: گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن، تهران، نشر قطره.
۱۰. تابان، محمد، اردشیر شیری، مهدی اکبرنژاد و صفورا یوسفیان (۱۳۹۵)، «نظام‌سازی اسلامی در حوزه اجتماعی از منظر علم مدیریت و فقه اسلامی»، فصلنامه پژوهش‌های علم و دین، دوره ۷، شماره ۱۴، ص ۲-۲۴.
۱۱. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۱)، «رویکرد ماتریسی در برنامه‌ریزی فرهنگی»، در: مجموعه مقالات همایش ماتریس فرهنگی: مدیریت استراتژیک فرهنگی شهر تهران (ماتریس فرهنگی)، ج ۱، تهران، انتشارات تیسسا، ص ۱۳۷-۱۹۸.
۱۲. حجاریان، سعید (۱۳۹۷)، «سیاست‌گذاری و سیاست‌گذاری»، دسترسی در goo.gl/spNMXb: ۱۳۹۷/۶/۱۱
۱۳. خاشعی، وحید (۱۳۹۰)، طراحی مدل خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در آموزش عالی، تهران، دفتر مطالعات فرهنگی و برنامه‌ریزی اجتماعی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت فرهنگی و اجتماعی).
۱۴. خبرآنلاین، صالحی: تعلیق تصمیم نظام بود، ۱۳۸۸/۱۲/۲۶، دسترسی در <https://www.khabaronline.ir/detail/50131/World/nuclear>

۱۵. خبرگزاری تسنیم، متن کامل سخنان شش کاندیدای ریاست جمهوری در اولین مناظره، ۱۳۹۶/۲/۸، دسترسی در ۱۳۹۷/۶/۱۳: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/02/08/1391866>
۱۶. خبرگزاری فارس، متن کامل نامه تاریخی امام خمینی به گورباچف و پاسخ گورباچف، ۱۳۶۷/۱۰/۱۱، دسترسی در ۱۳۹۷/۶/۱۴: <https://www.farsnews.com/news/8510090317>
۱۷. خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۹)، **صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی**، ج ۹ و ج ۲۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۸. خنیفر، حسین و ناهید مسلمی (۱۳۹۶)، **اصول و مبانی روش های پژوهش کیفی: رویکردی نو و کاربردی**، تهران، انتشارات نگاه دانش، چاپ اول.
۱۹. دانایی فرد، حسن، سیدمهدی الوانی و عادل آذر (۱۳۸۷)، **روش شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع**، تهران، صفار.
۲۰. رهدار، احمد (۱۳۹۷)، «سنجش مقاومت تمدنی در جمهوری اسلامی ایران»، در: محمدرضا بهمنی خدنگ، **عیار تمدنی جمهوری اسلامی ایران**، ص ۱۴۸-۲۲۴.
۲۱. ریکور، پل (۱۳۹۳)، **درباره ترجمه**، ترجمه مدیا کاشیگر، تهران، نشر افق.
۲۲. زیباکلام، صادق، شعارنه غزه، نه لبثان شعاع درستی بود!، افکار نیوز، ۱۳۹۳/۵/۶، دسترسی در ۱۳۹۷/۶/۱۳: <https://www.afkarnews.com>
۲۳. سرل، جان، آر. (۱۳۸۲)، **ذهن، مغز و علم**، ترجمه امیر دیوانی، قم، بوستان کتاب، چاپ اول.
۲۴. شافریتز، جی. ام و کریستوفر پی. بریک (۱۳۹۰)، **سیاست گذاری عمومی در ایالات متحده آمریکا**، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق.
۲۵. صالحی امیری، سیدرضا و الهه حیدری زاده (۱۳۸۹)، **ضرورت برنامه ریزی فرهنگی در برنامه های توسعه: مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی**، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۲۶. صدر، سیدمحمدباقر (بی تا)، **اقتصاد ما (بررسی هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام)**، ج ۱، ترجمه محمدکاظم موسوی، تهران، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۷. _____ (بی تا)، **اقتصاد ما (بررسی هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام)**، ج ۲، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی، تهران، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۸. طبرسا، غلامعلی (۱۳۸۲)، «تبیین چالش های فراروی سیاست گذاری در حوزه فرهنگ»، تهران، مجموعه مقالات همایش سیاست گذاری و فرهنگ در ایران امروز، مرکز بازشناسی اسلام و ایران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ص ۸۹-۱۰۱.
۲۹. عابدی جعفری، حسن، محمدسعید تسلیمی، ابوالحسن فقیهی و محمد شیخ زاده (۱۳۹۰)، «تحلیل

- مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۲ (پیاپی ۱۰)، ص ۱۵۲-۱۹۸.
۳۰. غلامرضا کاشی، محمدجواد (۱۳۸۲)، سیاست‌گذاری اقتدارگرایانه و دموکراتیک فرهنگی: طرحی برای یک الگوی جانشین، مرکز بازشناسی اسلام و ایران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۳۱. فاضلی، نعمت‌الله و مرتضی قلیچ (۱۳۹۲)، نگرشی نو به سیاست فرهنگی: سیاست فرهنگی از دیدگاه مطالعات فرهنگی، نگاشت شهر فرهنگ و اجتماع، تهران، انتشارات تیس، چاپ اول.
۳۲. فکوهی، ناصر (۱۳۹۴)، صد و یک پرسش از فرهنگ: کتاب انسان شناخت (اول). تهران، انتشارات تیس.
۳۳. فیروزجائیان، علی‌اصغر، مجتبی فیروزجائیان، سیدحمید هاشمی پطرودی و فاطمه غلامرضازاده (۱۳۹۲)، «کاربرد تکنیک مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) در مطالعات گردشگری: تحلیلی با رویکرد آسیب‌شناسانه»، مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، دوره ۲، شماره ۶، ص ۱۲۹-۱۵۹.
۳۴. کاوسی، اسماعیل و فرزانه چاوش‌باشی (۱۳۸۹)، دولت و برنامه‌ریزی فرهنگی، مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۳۵. کرباسیان، مهدی، اعظم خبوشانی، محمد جوانمردی و سیدمحمود زنجیرچی (۱۳۹۰)، «کاربرد مدل (ISM) جهت سطح‌بندی شاخص‌های انتخاب تأمین‌کنندگان چابک و رتبه‌بندی تأمین‌کنندگان با استفاده از روش TOPSIS-AHP فازی»، مجله علمی - پژوهشی مدیریت تولید و عملیات، سال ۲، شماره ۲، ص ۱۰۷-۱۳۵.
۳۶. گویگان، جیم مک (۱۳۸۸)، بازاندیشی در سیاست فرهنگی، ترجمه نعمت‌الله فاضلی، تهران، دانشگاه امام صادق.
۳۷. مناظره (متن مناظره‌های انتخاباتی یازدهمین دوره ریاست جمهوری خرداد ۱۳۹۲)، تهران، سروش.
۳۸. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۷۲)، کلمات قصار امام خمینی، پندها و حکمت‌ها.
۳۹. ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۸۴)، درآمدی بر طراحی نظام جامع فرهنگی بسیج، کمیسیون فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۴۰. نوایی، علی‌اکبر (۱۳۷۸)، نظام‌سازی شریعت و فقه از منظر امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴۱. واعظ، زهرا، رتبه جدید ایران در «شاخص رفاه»، روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۰/۸/۱۹، شماره خبر: ۴۲۵۲۶۰، دسترسی در ۱۳۹۷/۸/۱: <https://donya-e-eqtasad.com>
۴۲. واعظی، احمد (۱۳۹۲)، نظریه تفسیر متن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۴۳. _____ (۱۳۹۳)، **درآمدی بر هرمنوتیک**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ هفتم.
۴۴. الوانی، سیدمهدی و فتاح شریفزاده (۱۳۸۶)، **فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی**، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
۴۵. هاوالت، مایکل، ام. پرل رامش و آنتونی پرل (۱۳۹۴)، **مطالعه خط‌مشی عمومی**، ترجمه عباس منوریان و ابراهیم گلشن، تهران، مؤسسه کتاب مهریان نشر.
۴۶. همایی، خلیل، نهضت‌گرایی یا نظام‌سازی؟، ۱۳۹۲/۳/۱، دسترسی <http://radnevesht.com:۱۳۹۷/۶/۱۴>
47. Boyatzis, Richard E. (1998), **Transforming Qualitative Information: Thematic Analysis and Code Development**. Sage Publications.
48. Braun, Virginia and Victoria Clarke (2006), **Using thematic analysis**, in: psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3 (2), pp. 77-101". available online at <http://www.informaworld.com>.
49. Cochran, Charles L. and Eloise F. Malone (2005), **Public policy: Perspectives and choices**, 3. ed. Boulder, Colorado: Lynne Rienner.
50. Dye, Thomas R. (2013), **Understanding public policy**, 14 ed., internat. ed. Boston, Mass. [u.a.]: Pearson.
51. Gadamer, Hans – Georg (2004), **Truth and Method (Continuum Impacts)**. 1st ed. Continuum.
52. Kannan, G., Pokharel, Sh. and Sasi Kumar, P. (2009), **A hybrid approach using ISM and fuzzy TOPSIS for the selection of reverse logistics provider**, *Resources, Conservation and Recycling*, 54 (1), 28-36.
53. Matarasso, François and Charles Landry (1999), **Balancing act: twenty - one strategic dilemmas in cultural policy**, vol.4, Belgium: Council of Europe Publishing.
54. Mayers, James and Stephen Bass, eds. (2004), **Policy that works for forests and people: Real prospects for governance and livelihoods**, Sterling, VA: Earthscan.
55. Medawar, Peter B. (2013), **Induction and Intuition in Scientific Thought**, Taylor & Francis.
56. Palmer, Richard E. (2000), **Hermeneutics: Interpretation theory**, in: Schleiermacher, Dilthey, Heidegger, and Gadamer. [Reprinted 2000]. *Northwestern University studies in phenomenology & existential philosophy*. Evanston [Ill.]: Northwestern University Press, 2000.

57. Shafritz, Jay M. and Christopher P. Borick (2008), **Introducing public policy**, New York [u.a.], Pearson Longman.
58. Warfield, John, N. (1974), "Developing Interconnection Matrices in Structural Modeling". IEEE Transactions on Systems, Man, and Cybernetics SMC-4, no.1, pp.82-87.

اسناد

۵۹. سند اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۱/۶/۲.
۶۰. سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲/۸/۱۳.
۶۱. سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در خصوص برنامه ششم توسعه، مرداد ۱۳۹۴.
۶۲. سیاست‌های کلی جمعیت، ابلاغی مقام معظم رهبری: ۱۳۹۳/۲/۳۰.
۶۳. سیاست‌های کلی امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات، ابلاغی مقام معظم رهبری: ۱۳۸۹/۱۱/۲۹.
۶۴. سیاست‌های کلی ایجاد تحول در آموزش و پرورش، ابلاغی مقام معظم رهبری: ۱۳۹۲/۲/۱۰.
۶۵. سیاست‌های کلی علم و فناوری، ابلاغی مقام معظم رهبری: ۱۳۹۳/۶/۲۹.
۶۶. سیاست‌های کلی ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار و جهاد و ساماندهی امور ایثارگران، ابلاغی مقام معظم رهبری: ۱۳۸۹/۱۱/۲۹.
۶۷. سیاست‌های کلی خانواده، ابلاغی مقام معظم رهبری: ۱۳۹۵.
۶۸. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۶۹. قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸.
۷۰. قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۷۳.
۷۱. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۷۹.
۷۲. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۸۳.
۷۳. قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۸۹.

۷۴. قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۹۵.

۷۵. قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، ۱۳۶۶/۴/۲۹، دسترسی در ۱۳۹۷/۶/۱۴: <https://fa.wikipedia.org/wiki>

